

ماهیت و آثار مسئولیت مدنی ناشی از پرداخت مابه‌التفاوت دیه زنان

تاریخ دریافت: ۹۵/۱۱/۹

تاریخ تأیید: ۹۷/۷/۱۳

عباس نیازی*

علیرضا یزدانیان**

چکیده

برخی ضررهای ناشی از خطای انسانی تحت پوشش بیمه اجباری مسئولیت مدنی قرار گرفته است یا قانون‌گذار تدابیر خاصی برای جبران آن پیش‌بینی کرده است؛ مانند پرداخت دیه از صندوق تأمین خسارت‌های بدنی. تعهدات جدید صندوق تأمین خسارت‌های بدنی و شرکت بیمه در پوشش دیه زنان که باعث شده در صورت فوت زن، برابر دیه مرد، در کلیه جنایات، توسط صندوق تأمین خسارت‌های بدنی یا بیمه‌گر پرداخت شود، موجب شده است این سؤال مطرح شود که ماهیت پرداخت بیش از میزان شرعی معین شده و نحوه توزیع آن میان صاحبان حق چگونه است. در این مسئله وجهی از باب دیه به وراثت پرداخت می‌شود که ماهیت و نحوه توزیع آن معین است؛ اما در خصوص نیمه دیگر که از بابت تعهد قراردادی یا قانونی پرداخت می‌شود در قوانین و حقوق ما مورد بررسی واقع نشده است. هدف این مقاله یافتن ماهیت و نحوه توزیع مبلغ مازاد پرداختی (بالسویه یا به میزان سهم‌الارث) است. مشخص شد پرداخت وجه مازاد عنوان خسارت دارد و پس از پرداخت دیون متوفی، مابه‌التفاوت پرداختی با وجود نظر مخالفی که عقیده به تساوی در توزیع مبلغ مازاد بین ورثه دارد، باید به میزان سهم‌الارث تقسیم شود. **واژگان کلیدی:** دیه، بیمه، مازاد بر دیه، مابه‌التفاوت دیه زنان.

۱۲۴

حقوق اسلامی / سال پانزدهم / شماره ۵۹ / زمستان ۱۳۹۷

* دکتری حقوق خصوصی دانشگاه اصفهان (abasniazi@ut.ac.ir).

** دانشیار گروه حقوق دانشگاه اصفهان (a.yazdanian@ase.ui.ac.ir).

مقدمه

دیه «مالی است که در شرع مقدس برای ایراد جنایت غیر عمدی بر نفس، اعضاء و منافع و یا جنایت عمدی در مواردی که به هر جهتی قصاص ندارد به موجب قانون مقرر می‌شود» (ماده ۱۷ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲). در قرآن کریم از دیه اعضا ذکری به میان نیامده است و در دیه نفس نیز صریحاً تفاوت بین زن و مرد ذکر نشده است و میزان دیه در مورد نفس و اعضا و تفاوت بین زن و مرد از روایات مستخرج شده است (مهرپور، ۱۳۷۸، ص ۳۹).

بر این امر که دیه قتل زن نصف دیه مرد است فقها اجماع دارند و ادعا شده که در مورد این امر بین فقهای شیعه و اهل سنت اتفاق نظر وجود دارد^۱ (موسوی خمینی، ۱۳۷۹، ج ۲، ص ۵۵۸/ زحیلی، ۱۳۸۲، ج ۶، ص ۳۱۰/ نجفی، ۱۴۰۴، ج ۴۳، ص ۳۲/ خویی، ۱۴۲۲، ج ۲، ص ۱۸۳/ شهیدثانی، ۱۴۱۳، ج ۱۵، ص ۳۲۲/ شهیدثانی، ۱۴۱۰، ج ۱۰، ص ۱۸۹/ شیخ مفید، ۱۴۱۳، ص ۳۳۹/ الجزیری، ۱۴۱۹، ج ۵، ص ۴۲۱)؛ البته فتوایی با نظر برابری دیه نیز ملاحظه شده است (صانعی، ۱۳۸۰، ص ۳۳۰) که با توجه به سابقه موضوع و اجماع مذکور قابل اعتنا نیست (ر.ک: ابراهیم نژاد، ۱۳۹۵/ جوریزی، ۱۳۹۲).

فقهای شیعه در مورد دیه منافع و اعضا نیز بر این باورند که دیه‌ی زن و مرد یکسان است تا وقتی که مقدار دیه به ثلث دیه کامل مرد برسد؛ در آن صورت دیه زن نصف دیه مرد است یا به تعبیر دیگر دیه مرد دو برابر دیه زن می‌شود (خویی، ۱۴۲۲، ج ۲، ص ۳۱۷/ مقدس اردبیلی، ۱۴۰۳، ج ۱۴، ص ۴۶۷/ مهرپور، ۱۳۷۸، ص ۳۷). فقهای اهل سنت در مورد دیه اعضای زن نظریات مختلفی دارند برخی همانند حنابله و مالکیان معتقدند دیه زن تا ثلث با دیه مرد برابر است و از ثلث به بعد نصف می‌شود اما شافعیان و حنفیان اصولاً دیه مربوط به اعضای زن را در هر مرحله نصف دیه مرد می‌دانند (عوده، بی‌تا، ج ۱، ص ۳۷۲/ الجزیری، ۱۴۱۹، ج ۴، ص ۳۷۱/ احسانی، ۱۳۹۰، ص ۸۲).

در قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ نیز به تبع فقه شیعه «دیه قتل زن، نصف

۱ برای نمونه در میان کتب روایی بنگرید به: حر عاملی، ۱۴۰۹، ج ۱۹، ص ۱۵۱.

دیه مرد است»^۱ (ماده ۵۵۰) و «دیه زن و مرد در اعضاء و منافع تا کمتر از ثلث دیه کامل مرد، یکسان است و چنانچه ثلث یا بیشتر شود دیه زن به نصف تقلیل می یابد» (ماده ۵۶۰)؛ اما به حکم قانون‌گذار^۲ در تبصره ماده ۵۵۱ قانون مجازات اسلامی «در کلیه جنایاتی که مجنی علیه مرد نیست، معادل تفاوت دیه تا سقف دیه مرد از صندوق تأمین خسارت‌های بدنی پرداخت می‌شود»^۳ و به موجب ماده ۱۰ قانون بیمه اجباری خسارات وارد شده به شخص ثالث در اثر حوادث ناشی از وسایل نقلیه مصوب ۱۳۹۵^۴ «بیمه‌گر مکلف است در ایفاء تعهدات مندرج در این قانون خسارت وارده به زیان‌دیدگان را بدون لحاظ جنسیت و دین تا سقف تعهدات بیمه‌نامه پرداخت کند...»^۵

همچنین به موجب تبصره ماده ۲۱ قانون اخیر درجایی که به «... علت فقدان یا انقضای بیمه‌نامه، بطلان قرارداد بیمه، شناخته نشدن وسیله نقلیه مسبب حادثه، کسری پوشش بیمه‌نامه ناشی از افزایش مبلغ ریالی دیه یا تعلیق یا لغو پروانه فعالیت شرکت بیمه یا صدور حکم توقف یا ورشکستگی بیمه‌گر موضوع ماده (۲۲) این قانون، [دیه]

۱ ماده ۷۱۶ قانون مجازات اسلامی: «...ج) دیه جنینی که روح در آن دمیده شده است اگر پسر باشد، دیه کامل و اگر دختر باشد نصف آن و اگر مشتبّه باشد، سه چهارم دیه کامل...».

۲ به عقیده برخی وضع این تبصره با اعتقاد بر عام بودن شریعت اسلام مخالف است و صرف چنین هزینه‌ای از بیت المال بدون دلیل و بی جهت است (علیشاهی و نهاد دانش، ۱۳۹۳، ص ۲۱۲)؛ اما این تبصره در عین پذیرش حکم قطعی فقهی، به دنبال جبران خسارت، یکسان است و هزینه مذکور صراحتاً بر نهادهایی به غیر از «بیت المال» قرار گرفته است.

۳ رای وحدت رویه شماره ۷۷۷ مورخه ۱۳۹۸/۲/۳۱ هیئت عمومی دیوان عالی کشور در ایام بعد از پذیرش این مقاله و پیش از انتشار آن پرداخت معادل تفاوت دیه اناث تا سقف دیه ذکور را «امتنانی» و جاری در «کلیه جنایات علیه زنان» دانست.

۴ به جهت اختصار از این به بعد این قانون با عبارت «قانون بیمه اجباری» آمده است.

۵ مشابه این حکم در تصویب‌نامه مورخ ۱۳۸۷/۳/۲۹ هیئت دولت «درخصوص پرداخت خسارات بدنی بدون لحاظ جنسیت و مذهب زیان‌دیدگان طبق تعرفه حق بیمه وسایل نقلیه موتوری زمینی» (شماره ۴۶۱۳۹/ت/۳۸۲۰۱هـ) و همچنین به فاصله چند روز بعد در تبصره ۲ ماده ۴ «قانون اصلاح قانون بیمه مسئولیت مدنی دارندگان وسایل نقلیه موتوری زمینی در مقابل شخص ثالث» مصوب ۱۳۸۷/۴/۱۶ هم آمده بود. این تکرار نشان از عدم هماهنگی در تنقیح و تدوین لوایح و قوانین در کشور دارد؛ چرا که دولت فراموش کرده در لایحه پیشنهادی و در حال تصویب خود در مجلس، چنین حکمی گنجانده شده است!

قابل پرداخت نباشد، ... نیز تا سقف مذکور توسط صندوق تأمین خسارت‌های بدنی، دیه پرداخت می‌شود.»

در خصوص جنایت مادون نفس با توجه به اینکه زیان‌دیده خود مبلغ مازاد بر دیه را دریافت می‌کند اختلافی در ماهیت آن و نحوه تقسیم آن وجود نخواهد داشت؛ چرا که اگر ماهیت آن را «دیه» یا «هبه» از سوی بیت‌المال یا «بیمه اشخاص» یا غیره بدانیم تأثیری بر دریافت‌کننده‌ی آن و امکان مطالبه دیون زیان‌دیده از این مال از سوی طلبکاران ندارد؛ زیرا در هر حال ذینفع مبلغ مازاد بر دیه شخص زیان‌دیده و وارد در دارایی او می‌شود و طلبکاران حق توقیف آن را خواهند داشت.

سؤال مدنظر این مقاله آن است که در صورت جنایت باعث فوت زیان‌دیده، مبلغ مازاد بر دیه که از سوی قانون‌گذار افزون بر مقدار تعیین‌شده در شرع بر صندوق تأمین خسارت‌های بدنی یا بیمه‌گر تکلیف شده است، آیا ماهیتی مشابه دیه دارد یا خیر؟ ثانیاً تقسیم آن میان صاحبان حق به چه نحوی است؛ به بیان دیگر تقسیم مبلغ افزون بر دیه پرداختی توسط صندوق یا بیمه‌گر بر اساس قواعد ارث است یا یکسان است. پاسخ به این سؤالات باعث روشن شدن وضعیت طلبکاران متوفی نیز می‌شود؛ چه آنکه ایشان در خصوص دیه حق طرح دعوا و مطالبه دین یا تعهد را دارند.

ماهیت وجه پرداختی مازاد بر دیه

فقیهان، جز پاره‌ای از معاصران، با صراحت درباره ماهیت دیه سخنی نگفته‌اند (میرمدرس، ۱۳۹۲، ص ۲۸). به نظر می‌رسد دیه دارای اهداف متعددی از قبیل پیشگیری از رفتارهایی که منجر به آسیب به دیگران شود و نیز جبران خسارت وارده است؛^۱ بنابراین دیه تنها مجازات نیست (خامنه‌ای، ۱۳۹۰، ص ۱۰۰) بلکه جبران خسارت مالی نیز هست (بهنسی، ۱۴۰۱، ص ۴۸/ مکارم شیرازی، ۱۴۲۲، ص ۱۴۸). در ماده ۱۴ قانون مجازات

۱ به بیانی دقیق‌تر دیه را در جنایت عمدی و شبه‌عمد دارای ماهیت دوگانه دانست؛ یعنی هم جبران خسارت مالی است و هم مجازات و عقوبت جانی، ولی در خطای محض تنها جبران خسارت مالی است (میرمدرسی، ۱۳۹۲، ص ۵۲).

اسلامی نیز دیه از انواع «مجازات» آمده است و درعین حال ماده ۱۷ همان قانون دیه را به «مالی» تعریف کرده است که در جرح، صدم، ضرب و قتل در صورت عدم قصاص باید پرداخت شود که این بیانگر ماهیت دوگانه دیه است.

دانستن ماهیت وجه مازاد پرداختی سبب می شود مالک آن و نحوه توزیع آن مشخص شود.

۱. تعهد صندوق تأمین خسارت های بدنی

در خصوص تعهدات صندوق تأمین خسارت های بدنی از پیش، قراردادی بین جانی یا زیان دیده و صندوق وجود ندارد و تعهد صندوق به پرداخت مازاد بر میزان دیه بر اساس حکم قانون است و شاید بتوان گفت صندوق برای پرداخت مبلغ مازاد انتخاب شده است تا «بیت المال» فقط در موارد احصا شده در شرع به پرداخت خسارت اشتغال داشته باشد و نه بیشتر از آن.

خسارت پرداختی از طرف صندوق هرگز به معنای دیه یا هر نهاد کیفی مشابه آن نیست بلکه نوعی جبران زیان و در حقیقت از آثار «دولت با رفاه اجتماعی و تضمین اجتماعی» است و فلسفه آن اعاده وضع زیان دیدگان و کمک به آنها در جبران صدمات و زیان های وارده است (خدابخشی، ۱۳۸۳، ص ۳۶). مطابق قانون هرگاه مسئول حادثه رانندگی فرار کند یا شناخته نشود یا به هر دلیلی خودرو فاقد بیمه نامه معتبر باشد، با وجود اینکه مسئول حادثه شخص دیگری است، صندوق مسئول پرداخت خسارت تا سقف دیه کامل یک مرد می شود و یا بر اساس تبصره ماده ۵۵۱ قانون مجازات اسلامی بدون توجه به مسئول جنایت و انجام یا عدم انجام تعهد مسئول جنایت، صندوق مبلغ مازاد بر دیه را تا میزان برابری دیه یک مرد پرداخت می کند.

شرکت بیمه و بیمه گذار دارای قرارداد هستند اما صندوق موظف به پرداختی است که فاقد قرارداد است و تعهدی قانونی است؛ بنابراین مبلغ مازاد که مطمئناً دیه نیست از نوع تعهدات بیمه ای نیز نیست و باید آن را نوعی ضمان قانونی و مبتنی بر عدالت توزیعی و تضمین اجتماعی بدانیم. این عقیده با نگاهی به نظریه شماره ۷/۲۱۴۹ مورخه

۱۳۸۷/۴/۱۱ اداره حقوقی قوه قضاییه نیز تأیید می‌شود که بیان می‌کند: «آنچه صندوق تأمین خسارت بدنی موظف به پرداخت آن است عنوان خسارت دارد، نه دیه...»^۱. تأسیس این صندوق جزء نمادهای بارز استفاده از عدالت توزیعی و همبستگی اجتماعی برای جبران خسارات دارای عامل انسانی است (بادینی، ۱۳۹۰، ص ۱۱۰) که می‌تواند به عنوان الگویی برای تأسیس نظام‌های مشابه در کشورمان مورد استفاده قرار گیرد.

۲. تعهد بیمه‌گر

در خصوص شرکت بیمه، با عنایت به اینکه بیمه‌گر، مسئولیت مدنی دارنده یا راننده خودرو را پوشش می‌دهد، اولین نظری که در مورد تعهدات بیمه‌گر به ذهن می‌رسد این است که پرداخت مبلغ مزاد، از جهت تبعیت از نظری است که عقیده بر برابری دیه دارد زیرا مسئولیت بیمه‌گر تبعی است و در حدود تعهدات مسئول حادثه باید خسارت را نماید. در صورت قتل غیرعمدی ناشی از حادثه خودرو، مالک یا راننده مقصر حادثه باید دیه مقرر را پرداخت کند، ولی با انعقاد قرارداد بیمه، این مسئولیت، از پیش، بر عهده بیمه‌گر مستقر شده است. بنابراین، بیمه‌گر نیز باید «همان مبلغ» را با «همان ماهیت» بپردازد. این استنباط را می‌توان از ماهیت قرارداد بیمه به دست آورد (خدابخشی، ۱۳۸۹، ص ۹۵).

اما در تعهد بیمه‌گر تنها پوشش مسئولیت مدنی بیمه‌گذار، یعنی پرداخت «دیه زن» که نصف مرد است موجود است، و مطابق ماده ۱۰ قانون بیمه اجباری، دارنده یا راننده مقصر، مسئولیتی در قبال مزاد بر دیه ندارد، درحالی‌که بیمه‌گر مسئول خواهد بود و این مسئولیت ضمان قراردادی یا عقدی است.

شاید به نظر برسد مبلغ مزاد بر دیه تعیین شده از سوی محاکم قضائی، در خسارات ناشی از حوادث وسایل نقلیه به عنوان «بیمه حوادث» محسوب می‌شود و پوشش «بیمه مسئولیت» محسوب نمی‌شود چرا که مطابق همان ماده «... مراجع قضائی

۱ همچنین نظریه مشورتی ۷/۲۵۰۱ مورخه ۱۳۸۷/۴/۲۹ که اشعار داشته رقم پرداختی از سوی صندوق، عنوان دیه ندارد.

موظف‌اند در انشای حکم پرداخت دیه، مبلغ مازاد بر دیه موضوع این ماده را به عنوان بیمه حوادث درج کنند» ولی قید تعیین شده «از سوی محاکم قضایی» برخلاف نظر بعضی از حقوقدانان (ایزانلو، ۱۳۸۷، ص ۳۹) به مبلغ «مازاد» اشاره دارد نه به «دیه»؛ بنابراین ماهیت بیمه همان «بیمه مسئولیت» است و نه «بیمه حوادث».

«بیمه‌های اشخاص» که شامل بیمه‌های «عمر» و «حوادث» است، بدین نحو عمل می‌کنند که در بیمه‌ی عمر بیمه‌گر درازای دریافت حق بیمه تعهد می‌کند در صورت فوت بیمه‌گذار یا حیات وی پس از زمان معین مبلغ مشخصی را به طرف قرارداد یا شخص ثالثی که توسط وی به عنوان ذینفع معین شده است، بپردازد. در بیمه‌های حوادث بدنی، بیمه‌گر متعهد است، چنانچه در مدت قرارداد بیمه، بیمه‌گذار بر اثر حوادث، دچار ناتوانی و ازکارافتادگی کلی یا جزئی شود یا مدتی از کار کردن بازماند و یا فوت نماید، بیمه‌گر صرفاً با تحقق حادثه، مبلغ مشخصی به بیمه‌گذار یا افراد ذینفع تعیین شده توسط وی در بیمه‌نامه بپردازد (بو، ۱۳۷۳، صص ۸۲-۷۵ / بابایی، ۱۳۹۰، ص ۲۸). در «بیمه‌های اشخاص»، شخصی که قرار است از مبلغ بیمه استفاده کند، همیشه کسی نیست که در مقام ورثه قرار دارد، بلکه می‌توان شخص بیگانه‌ای را تعیین کرد، همچنان که در بیمه عمر مطابق ماده ۲۴ قانون بیمه مصوب ۱۳۱۶ این امر پیش‌بینی شده است.^۱

اما در موضوع مورد بحث ما زیان‌دیده نمی‌تواند شخص ثالثی باشد که تعیین نشده است چرا که بیمه‌گر در قبال شخص تعیین نشده در بیمه عمر مسئولیتی ندارد^۲ و برخلاف عقیده برخی (خدابخشی، ۱۳۸۹، ص ۹۹) وجه مازاد پرداختی موضوع ماده ۱۰ قانون بیمه اجباری توسط شرکت بیمه با «بیمه اشخاص» یکسان نیست زیرا نیازی به

۱ «وجه بیمه عمر که باید بعد از فوت پرداخته شود، به ورثه قانونی متوفی پرداخته می‌شود، مگر اینکه در موقع عقد بیمه یا بعد از آن در سند بیمه قید دیگری شده باشد که در این صورت وجه بیمه متعلق به کسی خواهد بود که در سند بیمه اسم برده شده است.»

۲ بیمه‌گذار در بیمه عمر به طور معمول، وراثت خود را در نظر می‌گیرد؛ البته می‌تواند شخص یا اشخاص «معین» دیگری را تعیین نماید.

بیمه کردن از سوی خود متوفی نیست و بیمه‌گذار در اینجا راننده یا دارنده وسیله نقلیه است و بیمه از نوع «بیمه خسارت» و از دسته «بیمه مسئولیت» است (بابایی، ۱۳۹۰، ص ۲۷) و قرارداد بیمه در اینجا بیمه‌گرامتی نیست و غیر‌گرامتی است؛ یعنی بیمه‌گر با توجه به میزان خسارت و مبلغ بیمه‌شده متعهد به رفع خسارت از بیمه‌گذار است. در این نوع بیمه، بیمه‌گر مکلف خواهد بود مسئولیت بیمه‌گذار را نسبت به ثالث جبران کند (خروشی، ۱۳۹۰، ص ۳۶ / colinvaux, 1979, p. 8).

تعهد بیمه‌گر به جبران خسارت بر اساس «بیمه مسئولیت»، منوط به تحقق این مسئولیت نسبت به مالک یا راننده وسیله نقلیه است و تردیدی در این خصوص وجود ندارد. در پرداخت مبلغ مازاد بر دیه زن تابع «بیمه حوادث» نیست و باید بدو مسئولیت وسیله نقلیه در حادثه احراز شود و بیمه حوادث در اینجا تابع بیمه حوادث نبوده و لزومی به احراز مسئولیت مدنی نیست زیرا قانون نمی‌خواهد پرداخت خسارت برای زنان بیشتر از مرد مسلمان باشد بلکه در صدد برآمده است تا جبران خسارت آن‌ها را از طریق فرآیند توزیع زیان، برابر کند بنابراین شرط تحقق چنین امری، مانند جبران خسارت برای سایر اشخاص است و باید مسئولیت دارنده وسیله نقلیه به اثبات رسد (خدابخشی، ۱۳۹۳، ص ۳۳)؛ بر این اساس تعهد بیمه‌گر از جهت پوشش بیمه‌ای نیست و به تأمین اجتماعی نزدیک می‌شود و آنچه توسط صندوق یا بیمه‌گر پرداخت می‌شود، نه مسئولیت مدنی، بلکه نوعی تعهد قانونی است و مسئولیت قراردادی است (خدابخشی، ۱۳۸۹، ص ۹۸)؛ البته اگر اشکال شود در بیمه اشخاص مانند بیمه عمر، بیمه‌گذار با تعیین شخصی که در عقد قرارداد بیمه نقشی نداشته است، برای وی حقی را به وجود می‌آورد. پرداخت بدون قرارداد مازاد دیه توسط بیمه‌گر به وراثت متوفی مشابه همین تعهد است. در پاسخ بیان می‌شود که در بیمه عمر، شخص ذی‌نفع از سوی بیمه‌گذار تعیین شده است؛ حال آنکه در بیمه «مسئولیت مدنی ناشی از وسیله نقلیه» که از نوع بیمه مسئولیت است، بیمه‌گر فقط مسئولیت بیمه‌گذار در قبال اشخاص ثالث را پوشش می‌دهد (بابایی، ۱۳۹۰، ص ۲۷) و مسئولیت بیمه‌گر صرفاً نصف دیه کامل یک مرد است و الباقی پرداختی جزء مسئولیت بیمه‌گذار نیست؛ دوم اینکه صندوق جبران

خسارت‌های بدنی نیز بیمه‌گر نیست تا پرداختی آن را با بیمه عمر یکسان بدانیم؛ بنابراین این مال برخلاف عقیده برخی (خدابخشی، ۱۳۸۹، ص ۹۹/ ایزانلو، ۱۳۸۷، ص ۴۰) «بیمه اشخاص» نیست و ماهیت پرداخت اضافی، دیه نیست زیرا مطابق دلایل شرعی دیه زن نصف مرد است و اگر این خسارت در شرع پیش‌بینی شده بود از بیت‌المال پرداخت می‌شد و نه از صندوق تأمین خسارت‌های بدنی و شرکت بیمه. مطابق نظریه شماره ۱۳۶۴/۴/۷-۹۵۹ اداره حقوقی قوه قضائیه: «دیه نوعی مجازات است؛ بنابراین دیه با آنچه از طرف شرکت‌های بیمه یا سازمان تأمین اجتماعی به موجب قرارداد یا قانون به عنوان غرامت پرداخت می‌شود ارتباطی ندارد؛ به علاوه منشأ و مبلغ و نوع و مسئول پرداخت غرامت و دیه متفاوت است»؛^۱ بنابراین وجه پرداختی اضافی، نوعی جبران زیان و با رویکردهای تعاون اجتماعی و توزیع ضرر و از آثار «دولت با رفاه اجتماعی» است.

امکان پرداخت دیون متوفی از مبلغ مازاد بر دیه زن

هر کس مسئول ایفای تعهدات خود در برابر دیگران است و شخصیت انسان با فوت او از بین می‌رود؛ بنابراین ورثه مسئولیتی در قبال تعهدات، دیون و سایر الزامات مورث ندارند و ملزم نیستند غیر از ترکه چیزی به بستانکاران بدهند (ماده ۲۲۶ قانون امور حسبی)؛ با وجود این اگر از مورث مالی به جا بماند و ورثه ترکه را قبول کنند، مسئولیت تصفیه ترکه بر عهده آن‌ها قرار می‌گیرد ولی اگر ترکه را رد کنند، تصفیه ترکه با دادگاه خواهد بود و مسئولیتی متوجه ورثه نمی‌شود.

خسارت وارد بر جسم مصدوم یا اذهاق نفس متوفی، سبب پرداخت وجه مازاد است؛ یعنی متوفی با وقوع فعل زیان‌بار که از نظر منطقی و از لحاظ رتبه‌ای و حتی

۱ اداره حقوقی قوه قضائیه نه تنها جمع مزایای تأمین اجتماعی و دیه را ممکن اعلام کرده، بلکه هر نوع حمایت و کمک را نیز مشمول این حکم دانسته است؛ از جمله نظریه شماره ۱۳۶۵/۱۰/۱۶۷/۵۴۲۳ در خصوص امکان جمع مبلغ پرداخت شده از طرف اداره کل راه‌آهن به عنوان پاداش جان و دیه و نظریه شماره ۱۳۶۵/۸/۳۰-۷/۴۵۸۱ در خصوص امکان جمع کمک بنیاد شهید به شهداء و مجروحین جنگ و دیه.

زمانی با مرگ فاصله‌ای ولو کوتاه دارد، مستحق دریافت ضمانت اجرای لطمه به حق حیات می‌شود (ابن ادریس، ۱۴۱۰، ج ۲، ص ۴۹)؛ به این تعبیر مرگ تنها شرط استقرار حقی است که سبب آن (فعل زیان‌بار) پیش از مرگ فراهم آمده است و صاحب حق به اعتبار لحظه وقوع سبب تعیین می‌شود و در فاصله زمان «پیش از مرگ» و «پس از مرگ» زمان سومی هست که «همزمان با مرگ» است و دیه فوت و خسارت مازاد پیش‌بینی شده در قانون «با مرگ» و نه «پس از مرگ» ایجاد می‌شود (ایزانلو و میرشکاری، ۱۳۸۹، ص ۵۴ / Mazeaud, 1965, tl, n267)؛ پس در حالی که بین بیمه‌گر (یا صندوق) و متوفی رابطه قراردادی وجود ندارد، این مال پرداخت می‌شود و به نظر از اموال متوفی و جزء ترکه‌ی او به حساب می‌آید که با سلب حق حیات از وی، ضمانت اجرای آن پیش از مرگ (به اعتبار تحقق سبب: واقعه موجد مسئولیت) یا هم‌زمان با آن (به اعتبار تحقق شرط: مرگ) در دارایی متوفی ایجاد می‌شود (ایزانلو و میرشکاری، ۱۳۸۹، ص ۵۴). و با توجه به موارد فوق باید جزء ماترک مجنی علیها دانسته شود.

در فقه نیز درآمدهایی که خود مورث در حال حیاتش سبب آن را فراهم کرده باشد مانند آنکه در حال حیات تور ماهی‌گیری را به دریا انداخته و سپس از دنیا رفته باشد و بعد از مرگش ماهی‌ها در تور قرار گیرند جزء ترکه محسوب می‌شود و مانند اموالی است که مثل دیه با مرگ میت به دست می‌آید (موسوی خمینی، ۱۳۷۹، ج ۲، ص ۹۹ / اصفهانی، ۱۳۹۳، ج ۲، ص ۲۸۱ / خویی، ۱۴۱۰، ج ۲، ص ۲۱۳ / قبله‌ای، ۱۳۸۱، ص ۱۹۳)؛ همچنین سودها و جوایز بانکی حساب متوفی نیز جزء ترکه میت است (محققان، ۱۳۹۰، ص ۲۰۱).^۱

۱ البته در نظریه شماره ۱۵۷/۱/۷ مورخ ۷۳/۳/۲۴ بدون توجه به این امر فقهی، آمده است: «در اصطلاح حقوقی ماترک یا ترکه به اموالی اطلاق می‌شود که حین الفوت جزو دارایی متوفی محسوب و موجود باشد؛ بنابراین غرامت ناشی از فوت که پس از فوت متوفی تحقق می‌یابد جزو ماترک نبوده و خارج از شمول مقررات مربوط به ارث می‌باشد». شاید منظور مواد ۸۲ و ۸۷ حقوق قانون استخدام کشوری مصوب ۳۱ خرداد ماه ۱۳۴۵ بوده است که مقرر می‌داشت «نصف حقوق بازنشستگی [متوفی] به عنوان حقوق وظیفه طبق مقررات این قانون به وراثت قانونی وی پرداخت خواهد شد» و «وظیفه به طور مساوی بین وراثت قانونی قسمت می‌شود و سهم هر یک از وراثت قانونی که طبق این

در استفتایی از مراجع تقلید با این سؤال که «در تصادفی خانمی فوت شده و صندوق خسارت‌های بدنی دیه کامل (برابر یک مرد) به ورثه داده است (نیمی از باب مسئولیت ضارب و نیمی دیگر بر اساس تکلیف قانون بر صندوق خسارت‌های بدنی)... و آیا باید دیون متوفی از آن استخراج شود یا نه؟» آیت‌الله خامنه‌ای پاسخ فرموده‌اند: «متعلق به ورثه است در هر حال اول دیون باید پرداخت شود... و آیت‌الله مکارم شیرازی مرقوم داشته‌اند: آن مبلغ ارث است و تمام آن مبلغ مطابق قانون ارث تقسیم می‌شود» (سؤال ۹۵۰۸۲۷۰۱۲۵)... و آیت‌الله مظاهری در پاسخ فرموده‌اند: همه آن مبلغ ماترک متوفی است... (سؤال شماره ۳۷۶۰۰).

در فقه دیه به عنوان ملک متوفی محسوب می‌شود و امکان مطالبه دین از دیه با توجه به روایات^۱ پذیرفته شده است (نجفی، ۱۴۰۴، ج ۳۹، ص ۴۷ / محقق حلی، ۱۴۰۲، ص ۲۵۷ / صادقی، ۱۳۸۲، ص ۷۹). فقیهان از اینکه دیه در حکم مال متوفی است دو نتیجه گرفته‌اند: اول آنکه دیون و وصایا از دیه اخراج می‌شود (شیخ طوسی، ۱۴۰۰، ص ۳۰۹ / شهید اول، ۱۴۱۷، ج ۲، ص ۳۴۸) و دوم آنکه دیه برحسب قواعد ارث تقسیم می‌شود (شیخ طوسی، ۱۴۰۷، ج ۹، ص ۳۷۵).

این در حالی است که اگر معتقد باشیم مبلغ مازاد مشابه «بیمه عمر» است، مبلغ بیمه عمر مطابق فتاوی آیات عظام مکارم شیرازی، موسوی اردبیلی، تبریزی و بهجت، جزء ترکه میت نیست، بر اساس قرارداد بیمه پرداخت، و مصرف می‌شود (گنجینه استفتانات قضایی، سؤال ۵۹۴۴)، از قواعد ارث پیروی نمی‌کند، تعیین ذینفع آن و نحوه تقسیم آن، با رعایت اهداف بیمه‌گذار، تعیین می‌شود و بنا بر گزارش یک شوری کمیسیون بهداشت و درمان مجلس مورخ ۱۳۹۱/۸/۲۰ درباره طرح استفساریه ماده ۲۴ قانون «بیمه» وجوه پرداختی در بیمه عمر، از سوی بیمه‌گذار به ورثه قانونی او به نحو مساوی

قانون قطع شود به نفع صندوق بازنشستگی ضبط می‌گردد.»

۱ به عنوان نمونه صحیحه عبدالله بن سنان: امام صادق علیه السلام فرمود امیرالمومنین علیه السلام حکم فرمود که دیه را ورثه می‌برند و به جز خواهر و برادران مادری که چیزی از دیه را به ارث نمی‌برند (طوسی، ۱۴۰۷، ج ۹، ص ۳۷۵).

خواهد بود و نه بر اساس سهم الارث (قابل مشاهده در تارنمای مرکز پژوهش‌های مجلس). این روش تقسیم در نظریات مشورتی متعدد اداره حقوقی قوه قضاییه نیز پذیرفته شده است؛ برای مثال به موجب نظریه مشورتی به شماره ۱۵۷/۱/۷ مورخ ۷۳/۳/۲۴ «...چنانچه ترتیب خاصی برای تقسیم غرامت در قرارداد بیمه مقرر شده باشد، باید طبق قرارداد عمل شود؛ در غیر این صورت وجه مذکور بالسویه بین وارث تقسیم خواهد شد...» و مطابق نظریه شماره ۷/۹۳/۸۸۸ مورخه ۱۳۹۳/۴/۱۷ «با توجه به اینکه در بیمه عمر، شخص می‌تواند به نفع یک یا چند نفر از وارث خود یا شخص ثالث بیمه شود و غرامت مربوط بعد از فوت به آن‌ها پرداخت گردد، این غرامت از شمول عنوان ترکه متوفی خارج بوده و قابل توقیف بابت بدهی متوفی نیست.»

با عنایت به نظر مختار و پاسخ استفتا مذکور در صدر بحث، مبلغ مازاد پرداختی صندوق خسارت‌های بدنی و شرکت بیمه‌گر تعهد قانونی است و داخل در ترکه میت است؛ به نظر می‌رسد دیون متوفی قبل از تقسیم مبلغ مازاد پرداختی که جزئی از ترکه است، باید پرداخت شود و این مبلغ توسط طلبکاران قابل توقیف است.

نتیجه‌گیری

از آنجا که مطابق شرع انور دیه قتل زن، نصف دیه مرد است، برای توزیع ضرر و همبستگی اجتماعی در قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ و قانون بیمه اجباری خسارات وارد شده به شخص ثالث در اثر حوادث ناشی از وسایل نقلیه مصوب ۱۳۹۵ پیش‌بینی شده است که برطبق آن در صورت فوت زن یا جنایات بیش از نصف دیه، «صندوق جبران خسارت‌های بدنی» یا «شرکت بیمه‌گر» باید به میزان دیه‌ی کامل یک مرد مسلمان به مصدوم یا وارث متوفی پرداخت کند. در این فرض نیمی از مبلغ پرداختی، از باب دیه که وظیفه شرعی مسئول است پرداخت می‌شود و نیمه دیگر بابت مسئولیت قانونی صندوق یا مسئولیت قراردادی بیمه‌گر پرداخت می‌شود. در خصوص بخش مازاد بر دیه در «صدمات مادون نفس»، چون خود مصدوم دیه را اخذ می‌کند بحثی در میان نیست؛ اما در خصوص فوت و پرداخت مازاد بر دیه، از آنجا که این مبلغ

مازاد دارای ماهیت تضمین اجتماعی است و مطابق ادله طرح شده جزء ماترک متوفی است، برخلاف نظر برخی، به نظر می‌رسد باید بر اساس قواعد ارث و نه به طور مساوی میان وراثت، پس از پرداخت دیون متوفی تقسیم شود.

منابع و مأخذ

۱. ابن ادریس حلی، محمد؛ السرائر الحاوی لتحریر الفتاوی؛ ج ۲، چ ۲، قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، ۱۴۱۰ ق.
۲. اصفهانی، سید ابوالحسن؛ وسیله النجاه؛ چ ۱، قم: چاپخانه مهر، ۱۳۹۳.
۳. ایزانلو، محسن و عباس میرشکاری؛ «ارث دیه»؛ مجله حقوق دانشکده حقوق دانشگاه تهران، دوره ۴۰، ش ۲، ۱۳۸۹.
۴. بادینی، حسن؛ جزوه الزام‌های خارج از قرارداد؛ دانشکده حقوق دانشگاه تهران، سال تحصیلی ۹۰-۱۳۸۹.
۵. بو، روژه؛ حقوق بیمه؛ ترجمه دکتر محمد حیاتی، چ ۱، تهران: انتشارات بیمه مرکزی ایران، ۱۳۷۳.
۶. الجزیری، عبدالرحمان؛ الفقه علی المذاهب الأربعة و مذهب اهل البیت و فقاً لمذهب أهل البیت؛ ج ۴ و ۵، بیروت: دارالثقلین، ۱۴۱۹ ق.
۷. جعفری لنگرودی، محمدجعفر؛ ارث؛ ج ۱، چ ۵، تهران: کتابخانه گنج دانش، ۱۳۸۴.
۸. جعفری لنگرودی، محمدجعفر؛ حقوق مدنی ارث؛ ج ۱، چ ۱، تهران: کتابخانه گنج دانش، ۱۳۷۵.
۹. خامنه‌ای، سیدعلی؛ «تقریرات درس خارج فقه، کتاب القصاص، بررسی حکم نصف بودن دیه زن»؛ پایگاه اینترنتی نشر و حفظ آثار آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۷۹.
۱۰. خامنه‌ای، سیدعلی؛ ره توشه قضایی (استفتائات قضایی از محضر آیت‌الله خامنه‌ای)؛ چ ۱، قم: موسسه آموزشی پژوهشی قضا، ۱۳۹۰.
۱۱. خاوندگار، نادر؛ ارث حقوق مدنی؛ چ ۱، تهران: انتشارات مجد، ۱۳۹۳.
۱۲. خدابخشی، عبدالله؛ «بررسی فقهی - حقوقی بخشی از احکام ارث در حوادث رانندگی»؛ نشریه فقه اهل‌بیت، ش ۶۸، زمستان ۱۳۸۹.
۱۳. خدابخشی، عبدالله؛ بیمه و حقوق مسئولیت مدنی (مبانی و مفاهیم بایسته بیمه و مسئولیت مدنی)؛ ج ۱، چ ۲، تهران: جنگل/جاودانه، ۱۳۹۳.
۱۴. خدابخشی، عبدالله؛ «بررسی ماده ۱۰ قانون بیمه اجباری»؛ ماهنامه قضاوت، ش ۲۹، ۱۳۸۳.

۱۵. خویی، سید ابوالقاسم؛ مبانی تکمله المنهاج؛ ج ۲، قم: مؤسسه احیاء آثار الامام الخوئی، ۱۴۲۲ق.
۱۶. خویی، سید ابوالقاسم؛ المنهاج الصالحین؛ قم: نشر مدینه العلم، ۱۴۱۰ق.
۱۷. دیلمی سلار، حمزه بن عبد العزیز؛ المراسم العلویه و الأحکام النبویه؛ ج ۱، قم: منشورات الحرمین، ۱۴۰۴ق.
۱۸. سرخسی، شمس الدین؛ المبسوط؛ ج ۳، بیروت: انتشارات دارالمعرفه، ۱۴۰۶ق.
۱۹. شافعی؛ کتاب الأم؛ ج ۶، ج ۲، قم: دارالفکر، ۱۴۰۳ق.
۲۰. شهید الثانی؛ شرح اللمعه؛ ج ۱۰، ج ۱، قم: منشورات جامعه النجف الدینی، منشورات مکتبه الداوری، ۱۴۱۰ق.
۲۱. شهید ثانی عاملی، زین الدین بن علی بن احمد؛ مسالک الأفهام إلى تنقیح شرایع الاسلام؛ ج ۱۳ و ۱۵، ج ۱، مؤسسه المعارف الإسلامیه، ۱۴۱۳ق.
۲۲. شهید اول (عاملی)، محمد بن مکی؛ الدروس الشریعه فی فقه الامامیه؛ ج ۲، قم: دفتر انتشارات اسلامی قم، ۱۴۱۷ق.
۲۳. شهیدی، مهدی؛ ارث؛ ج ۲، تهران: نشر سمت، ۱۳۷۶.
۲۴. حر عاملی؛ وسائل الشیعه؛ ج ۱۹، ج ۱، قم: مؤسسه آل البیت، ۱۴۰۹ق.
۲۵. ابراهیم نژاد، محمد؛ «بررسی و نقد ادله نظریه آیت الله صانعی در برابری دیه زن و مرد»؛ نشریه فقه و حقوق اسلامی دانشگاه تبریز، ش ۱۲، بهار و تابستان ۱۳۹۵.
۲۶. جوریزی، صغرا؛ نقد و بررسی نظریه تساوی دیه زن و مرد؛ پایان نامه کارشناسی ارشد، استاد راهنما: محمدحسین خورشیدی، دانشگاه پیام نور، ۱۳۹۲.
۲۷. شیخ طوسی؛ تهذیب الاحکام دار کتب الاسلامیه؛ ج ۹، ج ۴، ۱۴۰۷ق.
۲۸. شیخ طوسی؛ النهایه فی مجرد الفقه و الفتاوی؛ ج ۲، بیروت: دارالکتب العربی، ۱۴۰۰ق.
۲۹. مفید، محمد بن محمد بن نعمان؛ مقنعه؛ قم: کنگره جهانی هزاره شیخ مفید، ۱۴۱۳ق.
۳۰. صافی گلپایگانی، لطف الله؛ جامع الاحکام؛ ج ۲، قم: مؤسسه انتشارات حضرت معصومه، ۱۴۱۹ق.
۳۱. صانعی، یوسف؛ منتخب الاحکام؛ ج ۵، قم: انتشارات میثم تمار، ۱۳۸۲.
۳۲. عباسلو، اختر؛ قتل به عنوان مانع ارث؛ پایان نامه کارشناسی ارشد، استاد راهنما: حسین مهرپور، دانشگاه آزاد واحد تهران مرکز، ۱۳۷۶.
۳۳. حلی، حسن بن یوسف بن مطهر؛ قواعد الأحکام فی معرفه الحلال و الحرام؛ ج ۳،

- چ ۱، قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، ۱۴۱۳ق.
۳۴. حلی، حسن بن یوسف بن مطهر؛ **تحریر الأحكام الشرعیه علی مذهب الإمامیه**؛ چ ۱، اعتماد، قم: مؤسسه الإمام الصادق، ۱۴۲۲ق.
۳۵. علیشاهی، ابوالفضل و محمد دانش‌نهاد؛ **بررسی و نقد تبصره ماده ۵۵۱ قانون جدید مجازات اسلامی**؛ همایش منطقه‌ای آسیب‌شناسی قانون مجازات اسلامی، دانشگاه آزاد واحد مراغه، ۱۳۹۳.
۳۶. عمیدی، سید عمید الدین بن محمد اعرج حسینی؛ **کنز الفوائد فی حل مشکلات القواعد**؛ ج ۳، قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، ۱۴۱۶ق.
۳۷. عوده، عبدالقادر؛ **التشريع الجنائی الإسلامی مقارناً بالقانون الوضعی**؛ ج ۱، بیروت: دارالکتب العلمیه، بی‌تا.
۳۸. قبله‌ای خوبی، خلیل؛ ارث؛ تهران: سمت، ۱۳۸۱.
۳۹. کاتوزیان، ناصر؛ **قانون مدنی در نظم حقوق کنونی**؛ چ ۱۴، تهران: نشر میزان، ۱۳۸۷.
۴۰. کاتوزیان، ناصر؛ ارث؛ چ ۱، تهران: نشر دادگستر، ۱۳۷۶.
۴۱. موسوی خمینی، روح الله؛ **تحریر الوسيله**؛ چ ۱، قم: دارالعلم، ۱۳۷۹.
۴۲. محقق حلی؛ **المختصر النافع**؛ تهران: مؤسسه البعثه قسم الدراسات الإسلامیه، ۱۴۰۲ق.
۴۳. حلی، الحسن بن یوسف بن مطهر؛ **شرائع الإسلام**؛ ج ۴، تهران: انتشارات استقلال، ۱۴۰۹ق.
۴۴. محققان، رضا؛ **پرسمان فقهی و قضایی**؛ ج ۴، قم: موسسه آموزشی و پژوهشی قضا، ۱۳۹۰.
۴۵. مقدس اردبیلی، احمد؛ **مجمع الفائده و البرهان فی شرح ارشاد الاذهان**؛ ج ۱۴، قم: دفتر انتشارات اسلامی، ۱۴۰۳ق.
۴۶. مکارم الشیرازی، ناصر؛ **بحوث فقهیه هامه**؛ چ ۱، قم: مدرسه الامام علی بن ابی‌طالب، ۱۴۲۲ق.
۴۷. مهرپور، حسین؛ «بررسی تفاوت دیه زن و مرد در قانون مجازات اسلامی و مبانی فقهی آن»؛ **پژوهشنامه متین**، بهار ۱۳۷۸.
۴۸. میرمدرسی، سیدموسی؛ «مفهوم و ماهیت دیه از منظر فقه و حقوق اسلامی»؛ **نشریه کاوشی نو در فقه اسلامی**، ش ۷۷، ۱۳۹۲.

٤٩. نجفی، محمدحسن؛ جواهر الکلام فی شرح شرایع الاسلام؛ ج ٣٩، بیروت: دارالاحیاء
تراث العربی، ١٤٠٤ق.
٥٠. زحیلی، وهبه؛ فقه الاسلام و ادلته؛ ج ٦، تهران: احسان، ١٣٨٢.
51. Colinvaux, Raoul; **The Law of Insurance**; London: Sweet & Maxwell, 1979.
52. Mazeaud, Henri, Léon Mazeaud & André Tunc; **Traite Theorique et Pratique de la Responsabilite Civile**; Paris: Montchrestien, 1965.